



BLACKEST NIGHT



GEOFF JOHNS • IVAN REIS • OCLAIR ALBERT

1
FIRST ISSUE
OF EIGHT
SEP '09



IVAN REIS
OCLAIR '09

دورنامه

dorname.ir

کاری از: کیوان داوود



BLACKEST NIGHT



1
FIRST
ISSUE
OF EIGHT
SEP '09



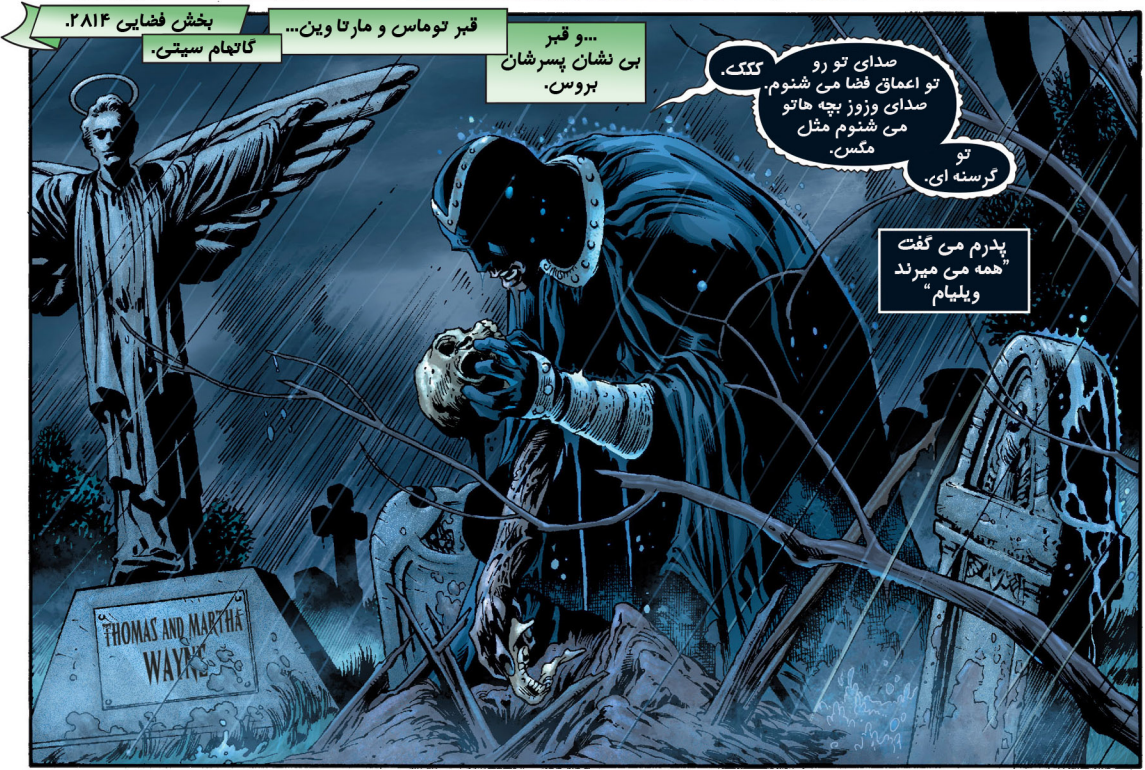
**GEOFF
JOHNS
IVAN
REIS
OCLAIR
ALBERT**



بعضی چیزها از مرگ بدتر هستند...

بعضی چیزها...

...مثل من.



بخش فضایی ۲۸۱۴.

کاتهام سیتی.

قبر توماس و مارتا وین...

...و قبر بی نشان پسرشان بروس.

صدای تو رو تو اعماق فضا می شنوم. صدای وزوز بچه هاتو می شنوم مثل مگس. تو گرسنه ای.

پدرم می گفت همه می میرند ویلیام



بخش فضایی ۹۹۹.

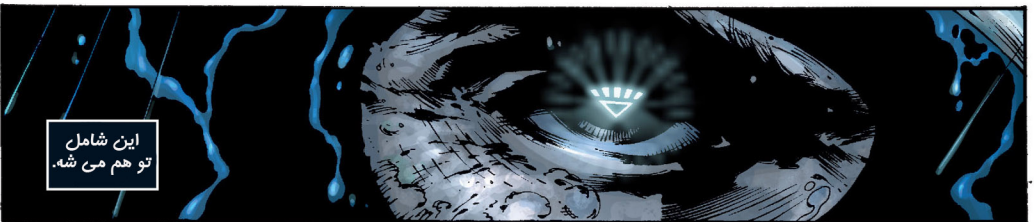
اون می گفت 'مرگ تنها چیزیه که تو این دنیا می تونی روشن حساب کنی.'

آره. کشتمش تا گفته هاشون ثابت بشه.

من گرسنه ام.

مرگ ما رو به تکاپو میندازه. چون قوی یا ضعیف، مورد علاقه یا نفرت...

...هیچکس نمی تونه ازش فرار کنه.



این شامل تو هم می شه.

FLASH

FLASH

FLASH

FLASH

FLASH

FLASH



و تو
به همه اونجا
مرتبطی.

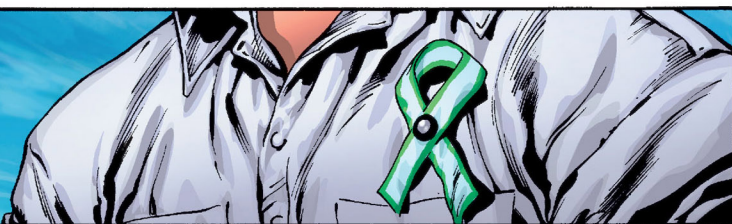
SLURK

بیست و چهار
ساعت بعد.

کست سیتی.

سالها پیش، روزی که همه
فکر می کردند سوپرمن
مرده، به عنوان روز ملی
عزاداری تعیین شد.

از زمانی که برکشته این روز
به روز بزرگداشت ابرموجودانی
تبدیل شده که زندگی خود را
فدای محافظت از جهان کرده اند...



...و انسان های
بیگانه که
تقوینیم نجات
دیدیم.

در بین اون انسان های بیگانه...هفت
میلیون نفری هستند که هنگام حمله
مانگول ها و ابرانسان های سایبورگی
به کست سیتی از بین رفتند.

مردم در مورد اینکه با زمین
این شهر چه باید بکنند، بحث
کردند. بعضی ها گفتند به قبرستان
تبدیل بشه. بعضی ها گفتند به
محلی برای یادبود.

اونها گفتند
که هرگز به اینجا
برنمی گردیم.

می گفتند شهرمون
باید مرده بمانه.



اونها اشتباه
می کردند.

چون
می ترسیدند.

برادرم
نمی ترسید.



خانواده اش
نمی ترسیدند.

بابا!
مامان!
او عموو...

اون هویت
سری داره چین!
اسمشو نگو!

نمی خواستم
بگم.

مردمی که دنبالشون
تا اینجا اومده بودند
هم قصدشو نداشتند.

کست سیتی شانس
دوباره پیدا کرده بود.

منم
همینطور.

اسم من
هل جورده.

من یکی از فرماندهان نیروی هوایی
آمریکا هستم. من یکی از افسران لشکر
فانوس سبز هم هستم. بخش فضایی ۲۸۱۴.

روز
قشنگیه برای
یه پسر پرواز.

شنیدم دختر
کاوچرون.

...افسر مسئول
پشتیبانی سابق
و پهلوان پنبه فانوس
سبز گای کاردنر...

خلبان های جانبی من
افسر سابق نیروی دریایی
و تک تیرانداز فانوس سبز
جان استیوارت...

...و هنرمند و
وجدان لشکر فانوس
سبز کایل رینر.

جان می دونه وقتی تو
ارتش هستی، مرگ بخشی
از کارته.

گای و کایل می دونند که وقتی
تو فانوس سبز هستی، مرگ تنها
عامل بازنشستیه.

و ما می دونیم وقتی کسی
عضوی از این عضو جامعه
ابرقهرمانیه مرگ دروازه رو
باز کرده...

...تا داخل بشه.



پدر من.



آبین
سور.



گست
سپیتن.



یاد نمی گیری که باهاش
زندگی کنی.

اون بخشی از وجود
تو می شه.

تنها انتخابت:
بازی کن یا بشکن.

ترس ممنوع

من هرگز
نمی شکتم.

کاتما تویی.

جان وقتی با اون برخورد کرد بخاطر به ارث بردن حلقه سینسترو، بیش از حد جبرانی عمل می کرد...

...و جان هم بخاطر رسیدن به حلقه من چنین رفتاری داشت.

کاری رو می کنم که آخرین نفر نگرد. هدفت مشخصه و ساختارهای خیلی پیچیده هستند. تو بیش از حد فکر می کنی.



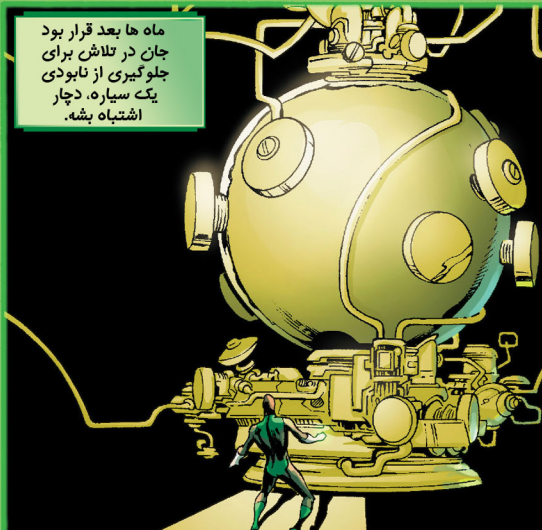
سایه ای که در اون بودند اونها رو به هم نزدیک کرد. و چیزی رو پیدا کردند که به نظر مهیومد من و کارول هرگز...

...تعجب. نه به یک شرکت هواپیماسازی یا نیروی پلیس بی کجگشانی، بلکه به همدیگه.



کاتما تویی به دست یک یاقوت ستاره ای کشته شد.

ماه ها بعد قرار بود جان در تلاش برای جلوگیری از نابودی یک سیاره، دچار اشتباه بشه.



دوست دختر کایل، آکسس در روزی که برای اولین بار حلقه رو به دست کرد، بدست یه روان پریش بنام میجر فورس کشته شد.

اونو بطور مجاله توی یخچالش پیدا کرد.



چید زن دیگه ای بود که کایل عاشقش شد.

دختر آکن اسکات. مدتی اون حلقه رو به دست کرد.



در فضا و در حال دفاع از چندین بخش کشته شد.

در اصل تنها کسی که بین ما عاقبت خوشی پیدا کرد، گاردنر بود که وقتی دوست دختر شل کن سفت کن در آرش پیشش برکشت، روی آرامش دید.

هیچکدوم از ما فکر نمی کردیم که حسودی گای گاردنر رو بکنیم.

ولی کاریش نمی شد کرد.



قبل از اینکه جان حرفه بزنه می دونم چی می خواد بگه.

اینگارش می توستم زانشی رو همونطور که تو کست سیتی رو ساختی بازسازی کنم.

این شهرو با هم می سازیم جان.

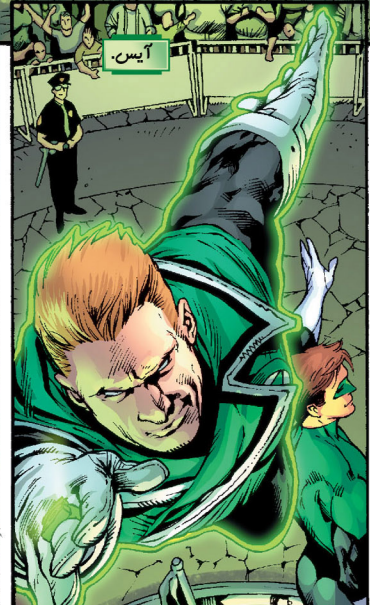
کل لشکر فانوس سبز رو با هم بازسازی کردیم.

و این مشعل رو روشن نگه می داریم.

هر وقت زمانی پیش بیاد هیچکس به جایی که می خواد نمی ره. به جایی می ره که لازمه.



جان.



آیس.



زانشی.



ممنونم که هستی دختر گاوچرون.

کست سیتی.

اینو از دست نمی دم ابرقهرمان.

دوست دارم فانوس سبز!

همه جای دنیا...

...مردم مورد نیاز هستند.

خانواده.

اسمالویل.

قبر جاناتان کنت.

من... باید اینجا می بودم. باید من به جای پدر می بودم...

قامتتون رو کج نکنید. جاناتان نمی خواست شما رو اینطور ببینید.

راون می خواست هر دو شما محکم بایستید.

همونطوریم.

پیترزبورگ.

قبر رانی ریموند.

من، آ.ام، ایکاش نیمه دینگ طوفان اتشی که ایجاد کردید، بودم پروفیسور استاین.

رانی ریموند بیشتر از یک سمت معادله بود خانم هیونیت.

از وقتی رانی مرده هر روز صبح برایش دعا می کنم جیسون.

امروز هم فرقی نداره.

منگوری نداشتم، متاسفم.

کار خاصی هست که بخواهی امروز برایش انجام بدی پروفیسور؟

می دونی وقتی به مرد دانشمند کشیش می شه اصلاً خوب نیست. جیسون، من...

تو هم باید مواظب چیزهایی که می کن باشی. رانی ریموند مثل پسر پروفیسور استاین بود. فکر کنم باید به طوفان آتش...

نشندی چی گفتم؟ جلوی پروفیسور استاین نه.

ولی من واقعاً فکر می کنم باید میزان سم رو بررسی کنیم. به درخت ها و چمن ها نگاه کن. بارون می باره...

...ولی همه چی داره می میره.

دوستان.

سانفرانسيسكو
برج
تایاتان ها.
یادبود
تایاتان ها.



حای شبیه
منم نبود
کیس.

به هر حال
مجسمه تو رو
آوردیم پایین
بارت.

اینکاش همشونو
می کشیدید
پایین.



سنترال سیتی.
آورنوس.

گورستان
مخفی
یاغیان.



اگر چه امروز برای بزرگداشت قهرمان ها
بود.

به طرز فکر
فرد بستگی داره
اوتن.

اینو از دست
نمی دادیم.

ممکنه متوجه
نشی معنی آوارگی
یعنی چن، ولی پدرت
می دونست.

به
اندازه کافی
نوشیدنی
آوردیم که همه
رو زنده زنده
اینجا دفن
کنیم.

دوست
به چه دردی
می خوره دیگر؟



شیکاگو.

قبر
تد کورد.



اگه قرار باشه کسی چیزی بگه
اون مایکله نه تو، کای.

خوب، گلدی چیزی درباره
بولوبیتل نگفته.

اگه چیزی
می خواهی بگی
بوستر، باید بگی.

امروز
روی قبرهای
زیادی باید گل
بذاریم.



متر و پلیس.

قبرستان

والهالا.

ببین
چقدر آدم
اومده.

ببین
چقدر آدم
از دست دادیم.



می دونم پدرت
اونقدری که تو زندگی
من نقش داشت. تو زندگی
تو نداشته دمج. ولی
وانمود کردن هم زیاد
برات گرون نموم
نمی شه.

نمی تونه
حداقل باهاش
روبرو بشی؟

من دارم به جنگجویای
آزادی نگاه می کنم.
جامعه سری
وقتی من تو تیمشون
بودم اونهارو گشتم.
من وقتی می مردند
شاهد بودم و صداشونو
می شنیدم.

من موندم
و به بینی شکسته
و نیمرخه که
داغون شده بود.

می خواهی با
پدرم روبرو بشم.
اتم اسمش.
کورخوندی.

نمی تونم
با کسی روبرو
بشم.

من به پدرم پشت نکردم
اتم اسمش.



رهبران.

خلیج امنستی

قبر
آرتور کری.

آکوامن
نباید تو خشکی
دفن بشه.

شوهرت باید
پیشن مردم خودش
باشه مرا، زیر دریا.

مردم آرتور
سعی کردند وقتی
بچه بود اونو بکشند
گارت. از اون متنفر بودند
چون موهاش طلایی
رنگ بود.

این دلیل
نمی شه...

ARTHUR
CURRY
SON
HUSBAND
and
FATHER

از تو هم
متنفر بودند
چون چشمات بنفش
بود. اگه بخاطر آرتور نبود،
اهالی آتلانتیس اونها
رو از حدقه
درمی آوردند.

اونها می تونن به
موجودات خرافه پرست
و وحشی تبدیل
بشن.



مادر آرتور
وقتی می خواست
اونو به ساحل پیش
پدرش ببره
مرد.

آرتور اینجا
احساس امنیت
می کنه گارت.

خودش اینو
می خواست.

مقبره باشکوهی تو آتلانتیس
انتظار جسد اونو می کنه. تو یکی
از زیباترین تپه مرجانی ها که همه
نوع حیات در اطرافش انتظار منجی
خودشونو می کنن.



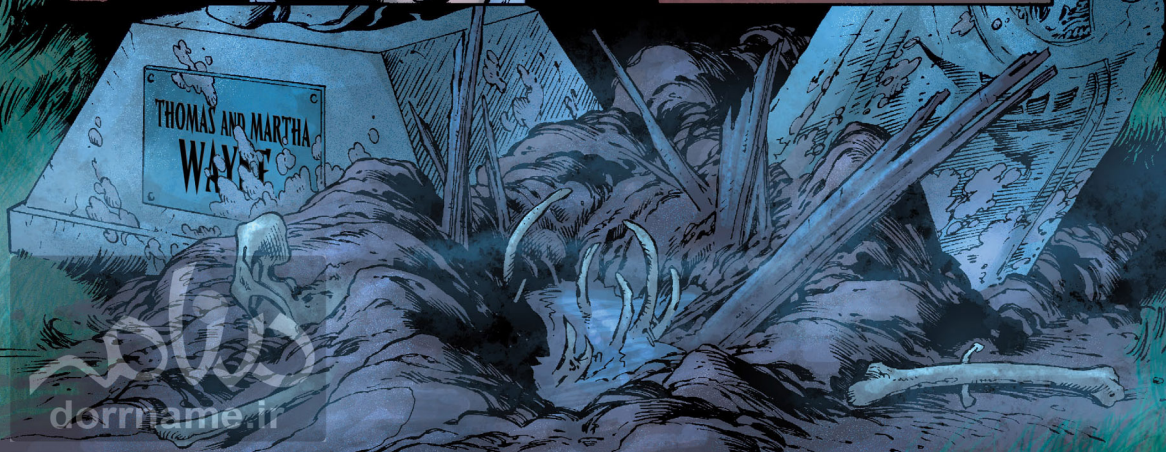
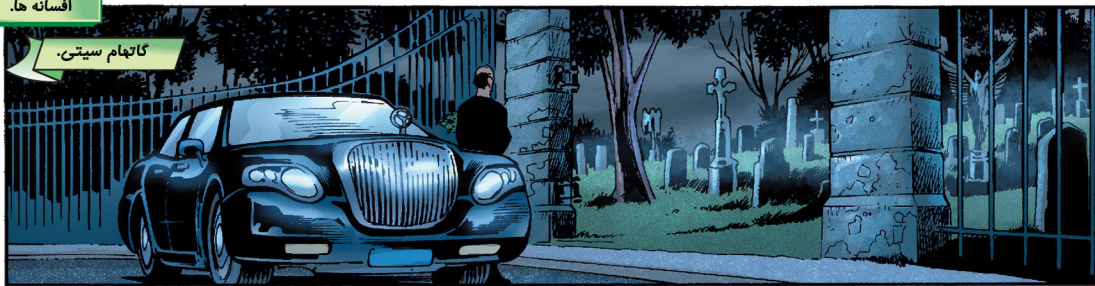
مقبره کنار
قبر بزرگترین
رهبران شهر ما قرار
داره... کنار
پسرش...

پسر تو.

خواهش می کنم مرا، به
من اجازه بده بقایا رو منتقل کنم.



خاک جای
مناسبی برای
پادشاه دریاها
نیست.



بعد از مراسم، گای و کایل
برمی گردند به ستاره ها، من می رم
به سری به یکی از دوستانم بزنم.

واشنگتون دی سی.

مرکز فرماندهی لیگ
عدالت آمریکا.

سه طبقه زیر زمین مرکز لیگ عدالت
محلیه که توش دشمنان لیگ رو
مگه می دارن؟

غیر از یانگیان،
می گن اونا خودشون
یه کورستان مخصوص نزدیکی
سنترال سیتی دارند، ولی
کسی نتونسته پیداش
کنه.

من پیداش
می کنم.

برنامه اصلی
این بود که بقایای دوستان
خودمون رو هم بیاریم اینجا.
ولی نمی خواستیم به
خانواده های اونها بی احترامی
بنشه.

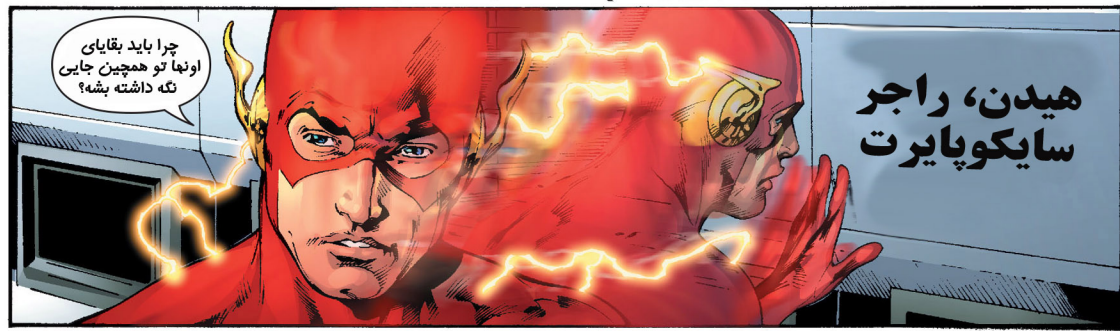
اگه اسم اصلی
اونها بعد از مرگشون
به اطلاع عموم می رسید باید
تو قبرستان والهالا تو مترو پلیس
و تحت تدابیر امنیتی دفن
می شدند.

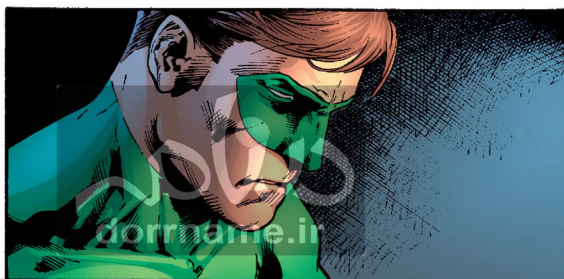
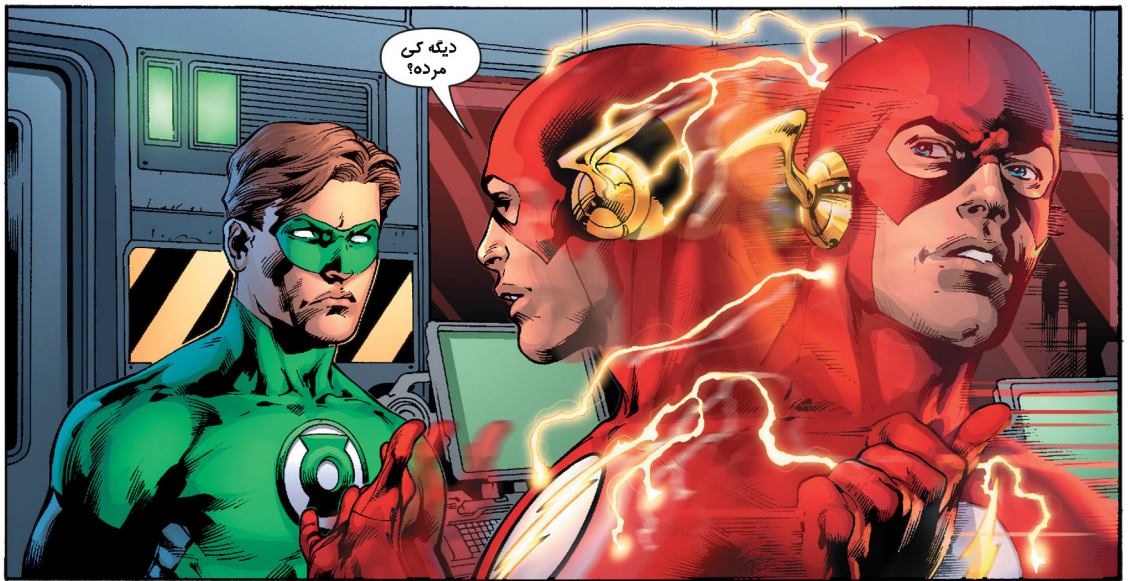
اگه هوششون
هنوز شناخته نشده
باشه، به خونشون فرستاده
می شن.

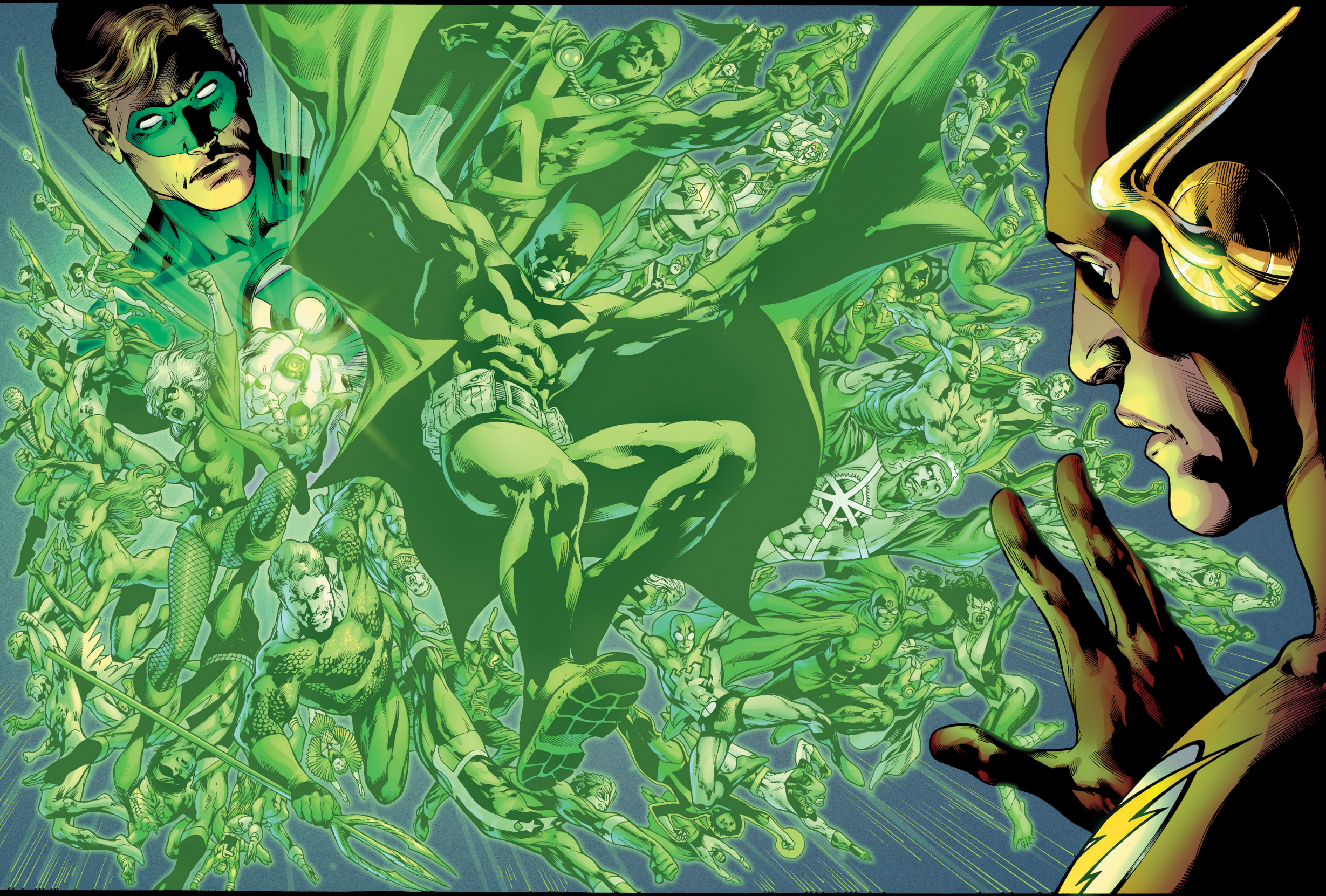


چرا باید بقایای
اونها تو همین جایی
نگه داشته بشه؟

هیدن، راجر
سایکوپایرت



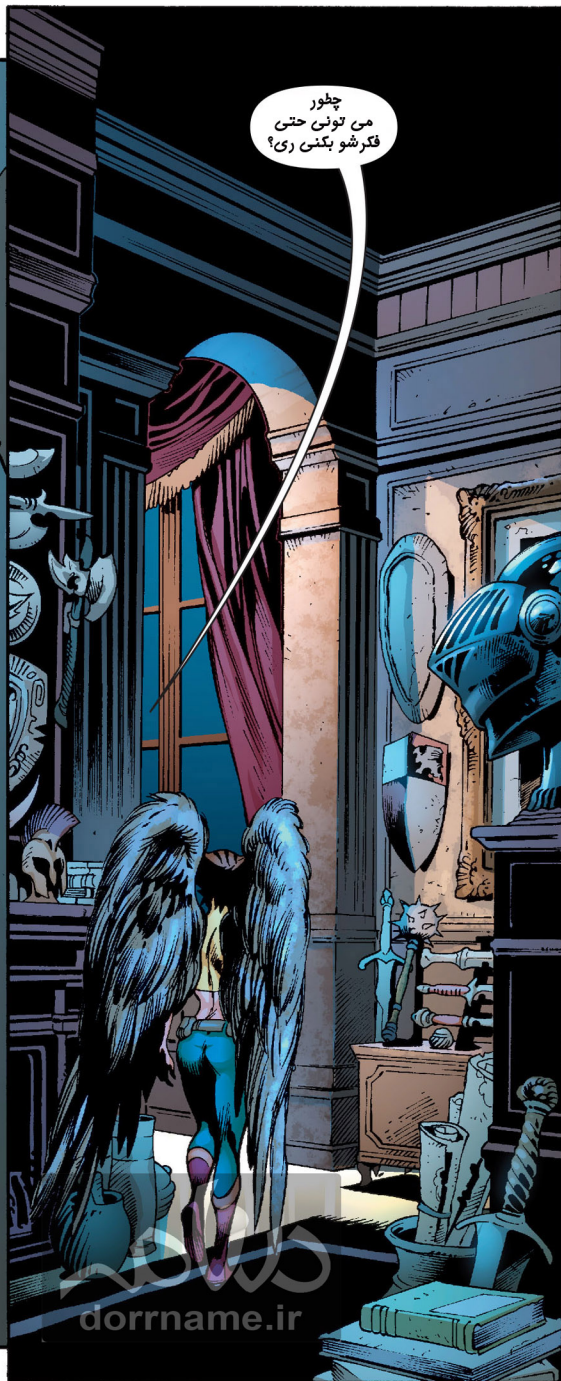








چطور می تونی از من همچین چیزی بخواهی؟



چطور می تونی حتی فکر شو بکنی ری؟



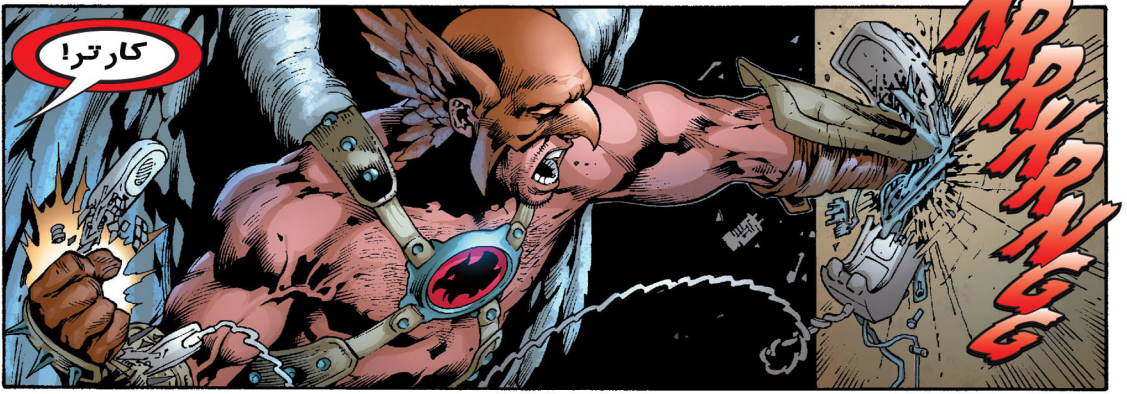
یکی از دوست ها رو می خوام که با من بیاد کارتر. تنهایی نمی توئم.

فراموش کن.

فقط خواهش می کنم.. گوشه رو از گوشت دور کن. دارم میام باهات رودر رو صحبت کنم.

نه. ری.

این کارو نکن.



کار ترا!

KRRR
GG



چه خبره کار ترا!

جین لورینگ سو دینس و کندرا رو کشته. در تلاش جنون آمیز برای کشیدن اتم به سمت خودش.

لمروز هم ری می خواد اونو ببینه.

اگه قبر جین رو ببینه. اون زن به هدفش می رسه.

این به جین ربطی نداره. به ری مربوط می شه.

باید تمومش کنه.



بمش می فهمونم. جین مرده.



اون نمی تونه تو و من بعدی دوباره زنده بشه.

جین مشکل داشت...

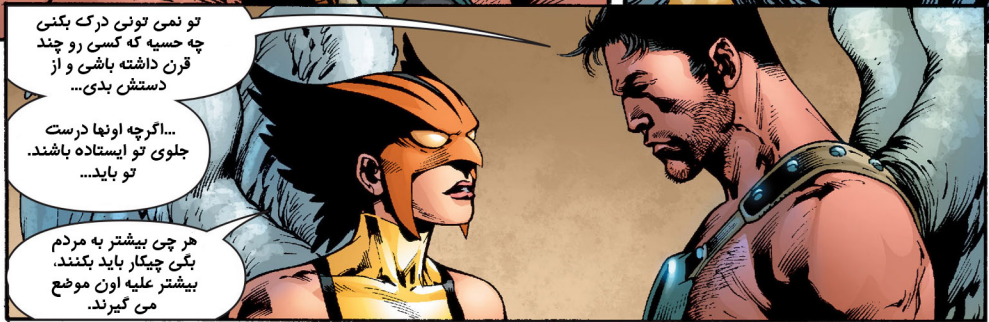
منم دارم!



چین لورینگ
عشقی رو از بین
برده که به قدرت عشقیه
که په زمان بین ما
بود...



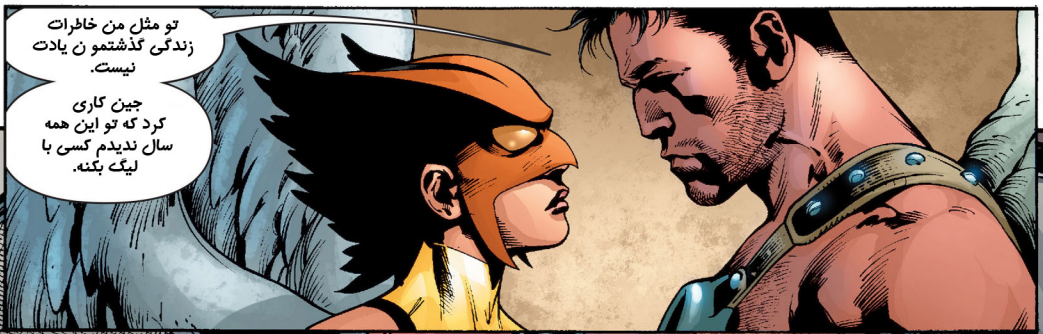
...به همون قدرتی
که عشق ما باید باشه.
سرنوشت ما اینه...
سرنوشت
و عشق یک چیز
نیستند.



تو نمی تونی درک بکنی
چه حسیه که کسی رو چند
قرن داشته باشی و از
دستش بدی...

...اگرچه اونها درست
جلوی تو ایستاده باشند.
تو باید...

هر چی بیشتر به مردم
بگی چیکار باید بکنند.
بیشتر علیه اون موضع
می گیرند.



تو مثل من خاطرات
زندگی گذشتمون یادت
نیست.

چین کاری
کرد که تو این همه
سال ندیدم کسی با
لیک بکنه.

اون اتم رو تحقیق
کرد.



...لطفاً
قطع کند و بعداً
تماس بگیر. اگر به کمک
نیاز داشتید، لطفاً با اپراتور
تماس بگیرید...

به بری گفتم که وقتی سو مرد، رالف
چطور داغون شد.

اینکه چطور فلیکس فاست
باعث مرگ مرد کشسان
شد.

و سریع ترین مرد زنده
کاری می کنه که من نزدیک از
وقتی بر گشته بکنه. اون...

می شینه
روی زمین...

آپریس همیشه
فکر می کرد که چین
یه کم عجیبه، خیلی غر
می زد، انگار می خواست
چیزی رو ثابت کنه، ولی
قتل سو؟

آپرس و
سو هر ماه عادت
داشتند با چین
قهوه بخوروند.

اونجا
کارول رو هم
دعوت می کردند
ولی اون همیشه
سر کار بود...

کارول؟
اون چیکار
می کنه...؟

کارول
فریس ایر رو
اداره می کنه.

ولی ما وقت
زیاده که با هم
نیویدیم بری.

اینطوری
بهتره.

اون جاش
امنه.

الو؟
کسی اونجا
هست؟

آلفرد؟

ریچارد به
من توپید.

اون به من گفت
که بی خطر نیستم.
ولی من می خواستم به
خواست بروس احترام
بذارم. اون می خواست کنار
پدر و مادرش دفن بشه
چیکار کردم؟

بخش فضایی صفر.

او آ.

محدوده مرکزی
لشکر فانوس سبز.

مرکز فرماندهی
نگهبانان جهان.

مؤسسان
جاودانه لشکر
فانوس
سبز.

ما شکست
خوردیم.





چک نور
پراکنده شده.

تقریباً در تمامی
بخش ها لنترن ها درگیر شدند.
احساسات همه جا را فرا
گرفته.

ولن اینجا را نگاه
کنید همکاران. سایه ای را
می بینم که در پهنه جهان در
حال گسترش است.

سایه ای در
فضای بخش ۹۹۹۹

YES
ALREADY IS
APPROACHING US.

حلقه های
سیاه.

...اونها طوری از ساختارهای
سپرهای محافظ رد شدند انگار از کاغذ
رد شدند!

با از دست رفتن
باتری اونن دینکه
چیزی برای متوقف
کردنشون باقی نمونده.
می شنوی کای؟

چن؟

"مثل گروه
مگس ها"

فشک

می ترسم گانت
درست گفته باشد.
نمی شود از
سایه ترین شب دوری
کرد. باید با آن روبرو
شد.

باید اعلام وضعیت
سایه کنیم. باید از تمام
لنترن های سبز بخوایم
به او برگردند.

نه همکاران
تجربان.
آنها پیام
درخواست کمک ما
را نخواهند شنید.
چرا؟

چون هرگز
محقق نخواهد شد.



گورستان های لشگر فانوس سبز

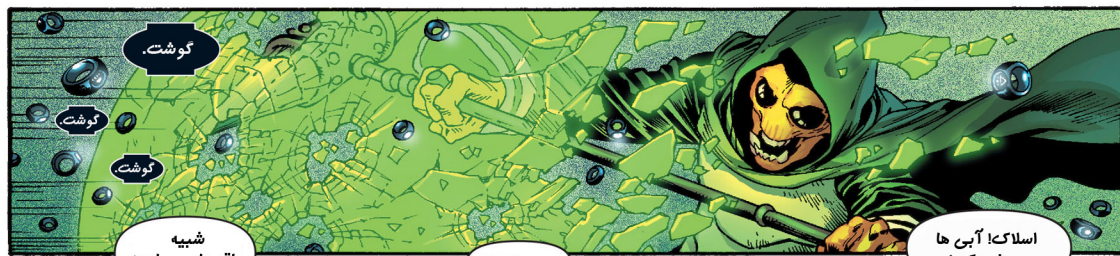
مارو بخش ۹۹۹.

محافظة گورستان.



گوشت

گوشت



گوشت.

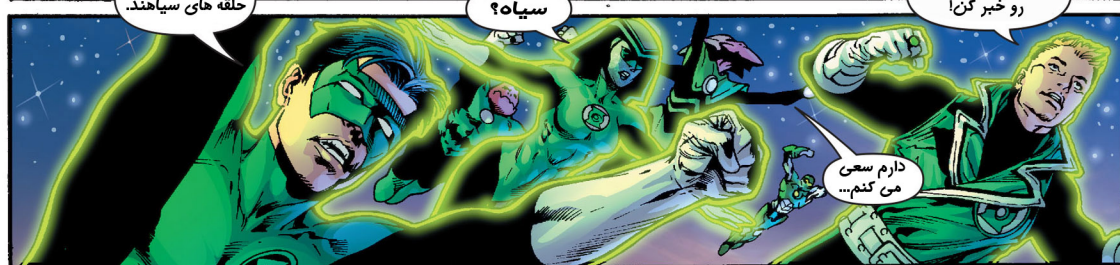
گوشت

گوشت

شبيه حلقه های سپاهند.

سیاه؟

اسلاک! آبی ها رو خبر کن!



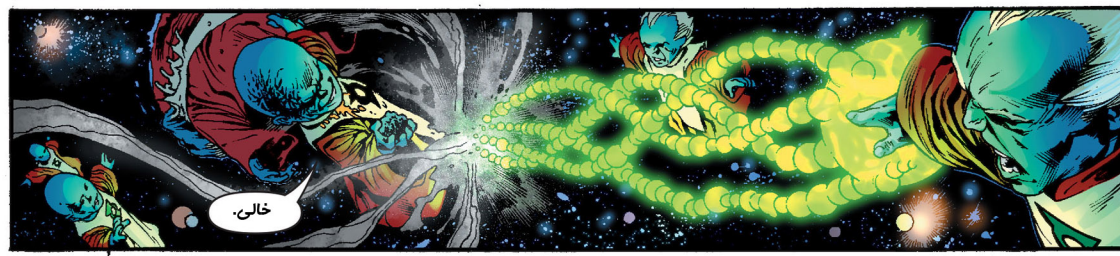
دارم سعی می کنم...



...ولی جوابی نمی دن.

شما احساسات را چندین عصر گذشته ها کردید.

شما پیوده قلب های هستند.



خالی.



گوشت



گوشت

گوشت.

اونها جمجمه بروس رو برداشتند.

چرا باید کسی بخواد جمجمه بروس رو برداره؟

به نظرم سوالی که باید جواب بدیم اینه که: چه کسی من دوست اونجا دفن شده؟

می دونست و کی بتمنه؟



گوشت.

گوشت.

گوشت.

گوشت.

جان جونز از مریخ.



گوشت.



گوشت.

گوشت.



کاتما توپیع از کورو کار.



رونی ریموند از زمین.



تاریکی نمی تواند ضیافتی از قلب های شما ترتیب بدهد.

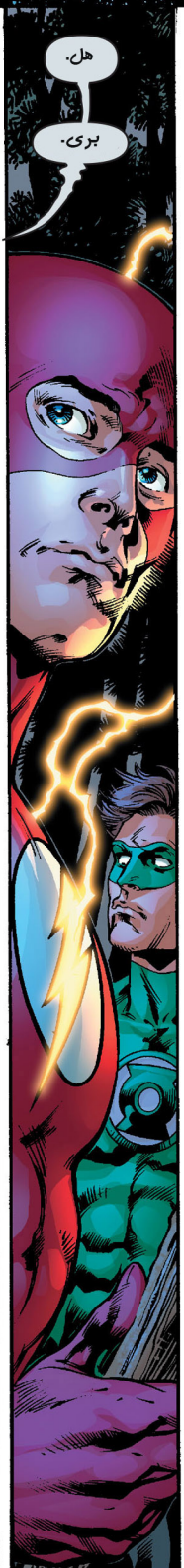


باید از موجودات کامل تغذیه کنند.

دی تايلر از زمین.
رایان کندال از زمین.
روی آنگولن از زمین.

ال پرت از زمین.

جنی لین هیدن از زمین.



هل.

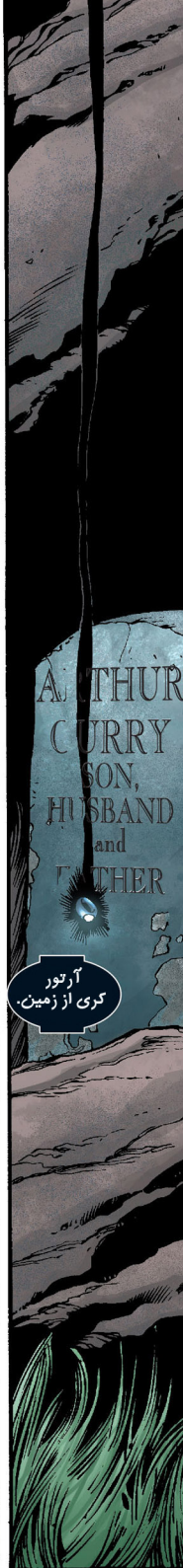
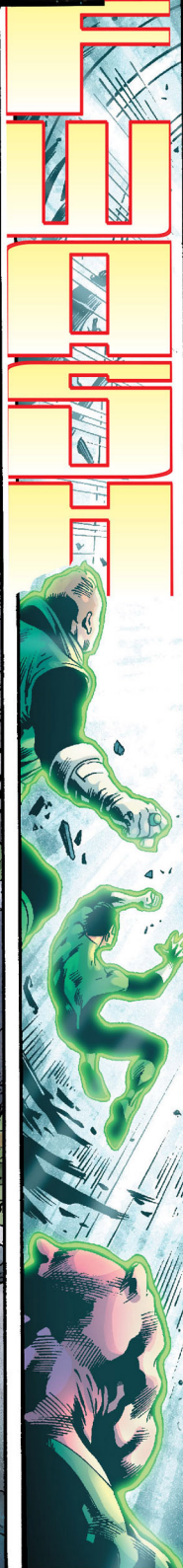
پری.



راسکو دیلون از زمین.

لیزا اسنارت از زمین.

DIGGER HARKNESS OF EARTH.



آرتور کری از زمین.

ARTHUR CURRY SON, HUSBAND and FATHER



قیام کنندگان

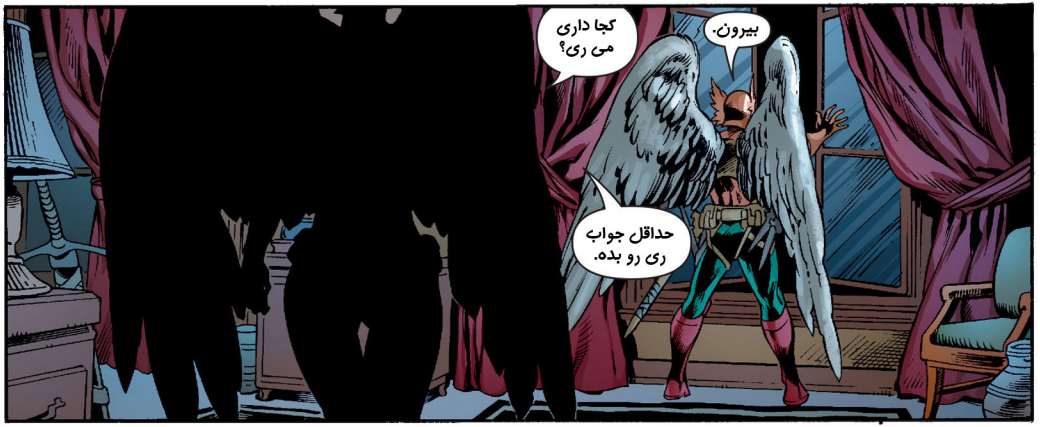




هر دو
شما باید بمیرید.

جان؟

دان
dormname.ir



بیرون.
کجا داری می ری؟

حداقل جوابی ری رو بده.



تو بهترین دوستش هستی!

KREEK



تو تنها چیزی هستی که برایش موندی!



و فکر می کنم ری تمام چیزیه که دارم. کارتر.

لعنتی، چرا سلاح رو پایین نمی داری حرف بزنی؟



چرا باید باهات حرف بزدم کندرا؟

چرا اصلاً اینجا ای؟

RAE.



جامعه عدالت...اونها می گن هر دفعه ای که به دنیا میاین، وحشی تر می شن. می گن هاوک کرل تو رو آروم می کرده.

ولی من نمی تونم.

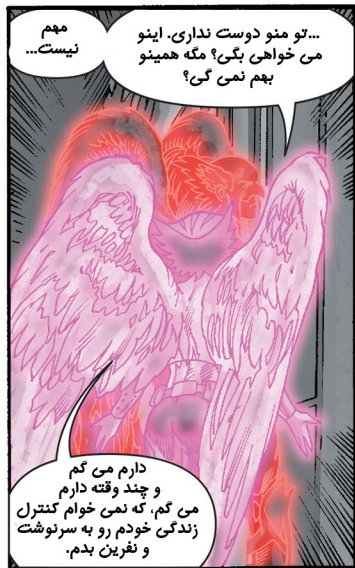
و من نگران تو هستم.

چرا! چرا نگران من هستی؟



تو این نفرین ما رو بهتر از ما می شناسی. می دونی تو حیات های گذشته هر وقت روح ما به عشق موجود بینمون اعتراف کرد. ساعت شیشه ای زیرورو شد...

...و قبل از موعد مردیم.



مهم نیست... تو منو دوست نداری. اینو می خواهی بگی؟ مگه همینو بهم نمی گی؟

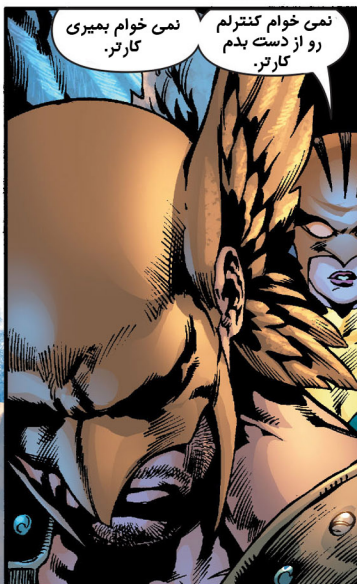
دارم می کم و چند وقته دارم می کم، که نمی خوام کنترل زندگی خودم رو به سرنوشت و نفرین بدم.



مهم نیست چقدر سخته... و...
خشم.

...خدایا، خیلی سخته.

عشق.



نمی خوام کنترل رو از دست بدم کارتر.

نمی خوام کنترل رو از دست بدم کارتر.



هرگز کنترل کردن کار من نبوده.

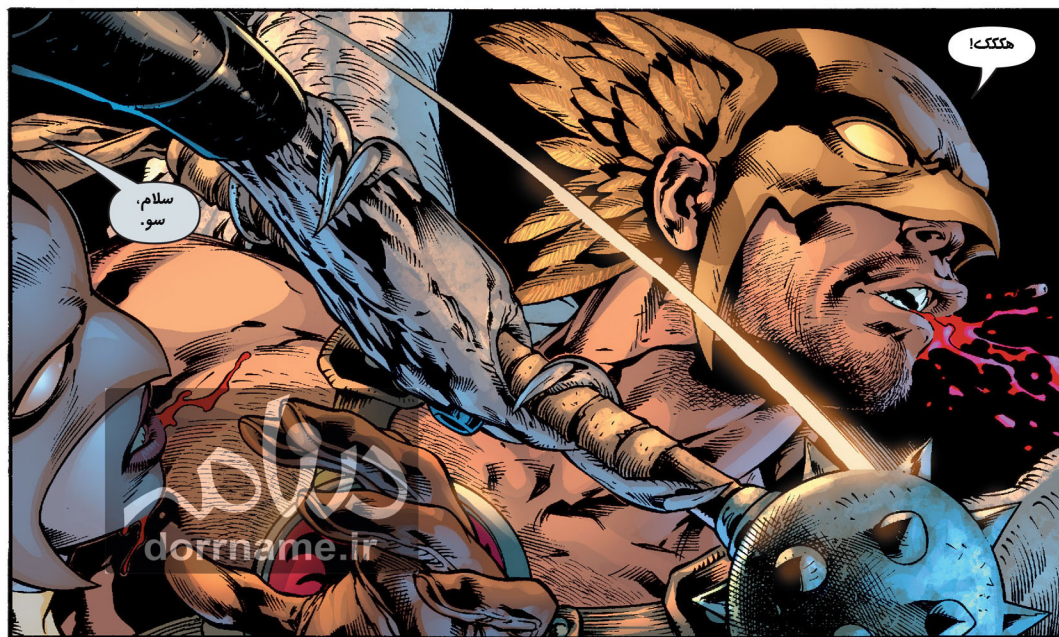
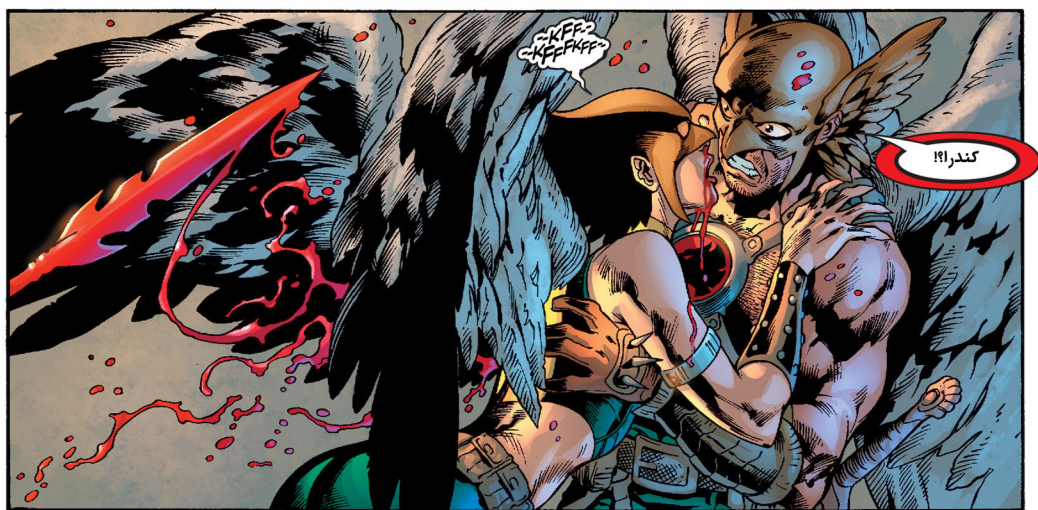
هرگز نخواستم تو رو کنترل کنم کندرا.



هیچوقت نخواستم مجبور کنم چیزی رو حسن کنی که حسن نکردی.

تو... مجبورم نکردی.

کارتر... من... دوست دارم...

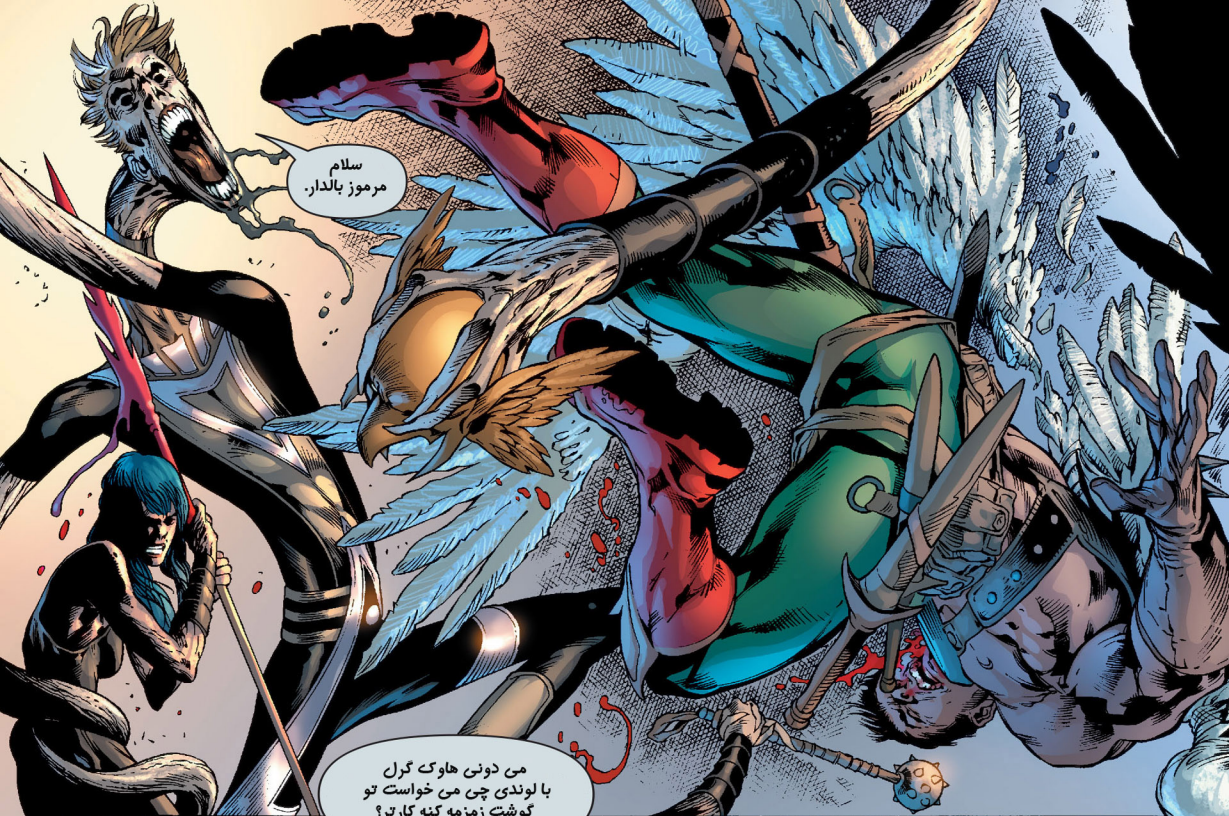


بوی راز
به مشام می رسه.



ننگاک.

ر-رافه؟



سلام
مرموز بالدار.

می دونی هاوک گرل
با لوندی چی می خواست تو
گوشت زمزمه کنه کار تر؟

همه ما
می دونیم.



RRRR!!!



ازت
متنفر
بود.



هاوک گرل



متنفر بود



HAWK!



اونها هیچوقت مثل ما به هم نزدیک نبودند.

بودند عزیزم؟



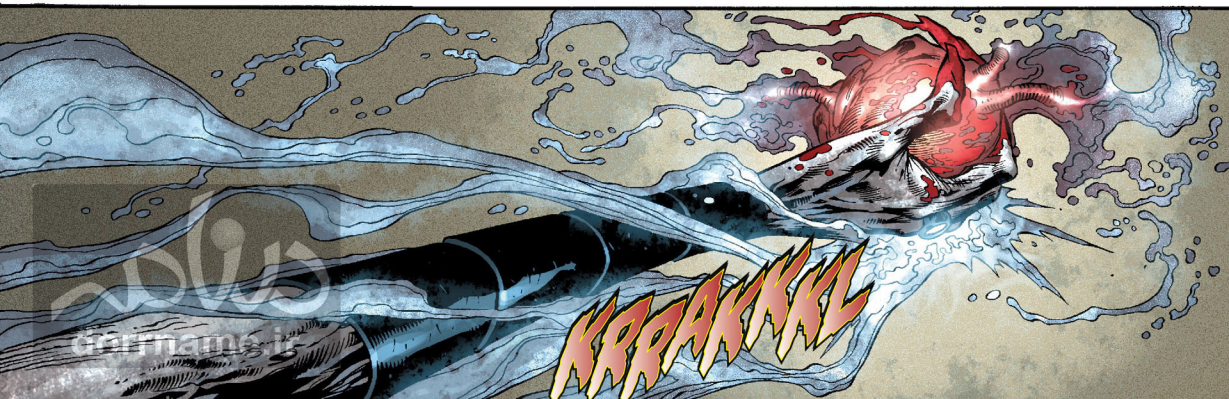
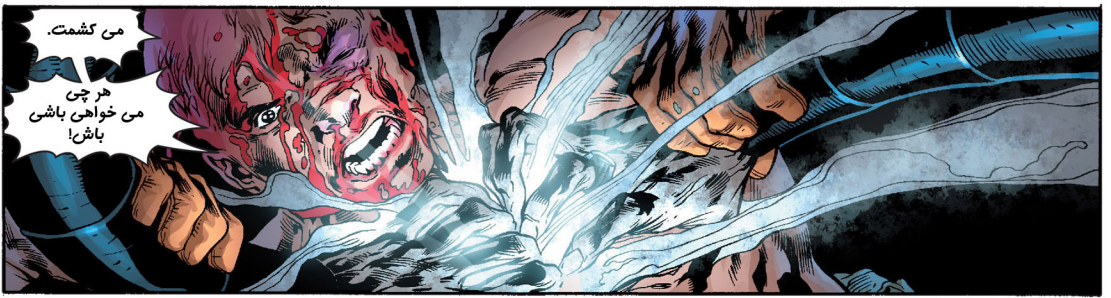
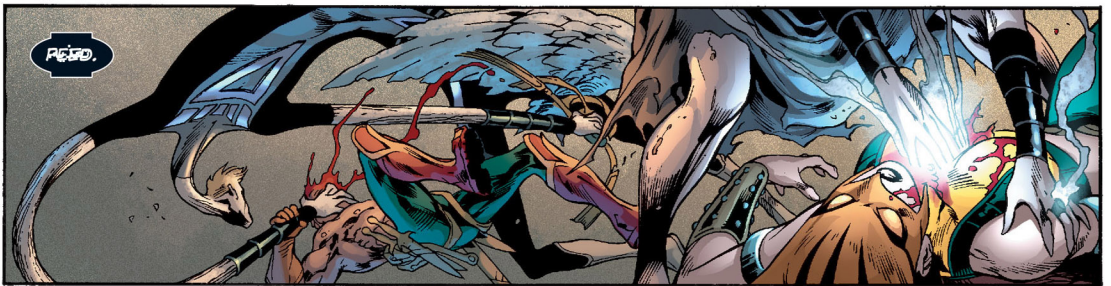
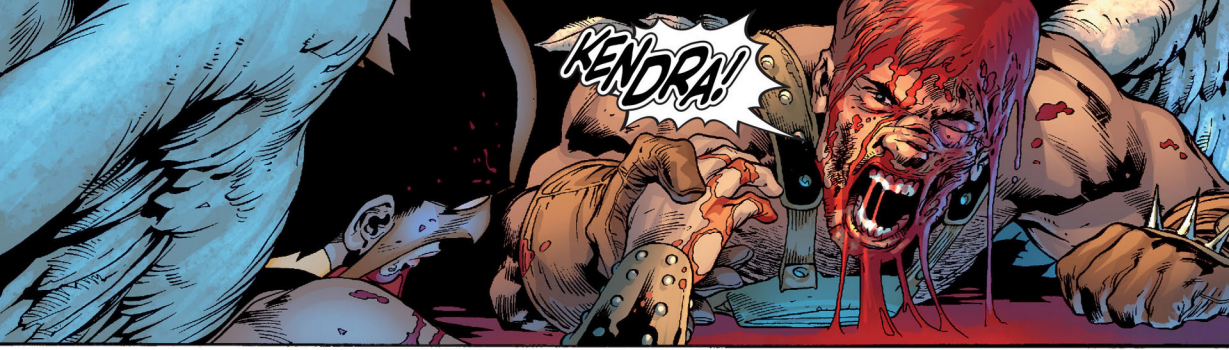
کار تر...هن...
هیچوقت...ازت...
متنفر نبودم...
...هن...



هن...
تو رو...



...دوست
دارم...





هاوگمن.

سطح
قدرت
۰۰.۱٪



هاوگ گول.

سطح
قدرت
۰۰.۲٪



اینبار از دست
مرگ فرار نمی‌کنی.

مرگ همه ما رو
باخود خواهد برد.

و جهان در نهایت
به آرامش خواهد
رسید.

تاریک ترین شب

GEOFF JOHNS
WRITER

IVAN REIS
PENCILLER

OCLAIR ALBERT
INKER



کارتر هال
از زمین.

کنندرا
سازرز از
زمین.

قیام کنید.

COVER: REIS • ALBERT • SINCLAIR

ALT. COVER: ETHAN VAN SCIVER & HI-FI

ALEX SINCLAIR
COLORIST
NICK J. NAPOLITANO
LETTERER
ADAM SCHLAGMAN
ASSOC. EDITOR
EDDIE BERGANZA
EDITOR



BLACKEST NIGHT



GEOFF JOHNS • IAN REIS • OCLAIR ALBERT

1
FIRST ISSUE
OF EIGHT
SEP 10 9

دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی